

نگاتی پیرامون تربیت فرزندانمان (۳)

نویسنده: دکتر امید نیک اختر

روانپزشک - عضو کمیته علمی بهداشت روان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
دفتر هماهنگی و برنامه ریزی امور فرهنگی وزارت بهداشت

«پسر حسودا! ببین دست خواهرت رو چکار کردی» بعد در حالیکه مادر به دستهای مریم خیره شده بود با عصبانیت ادامه داد: «نیکا کن ببین دست بچه رو چیکار کرده. ببین چطور دندوناش رو تو گوشت بچه کرده. اصلاً وقتی عصبانی می شه هیچی حالیش نیست. مگه صد دفعه بهت نگفتم که باید مواظب این خواهر کوچیکت باشی. آخه این هنوز بچه اس.» کوچولو در حالیکه رگهای گردنش از عصبانیت بیرون زده بود و صورتش سرخ شده بود فریاد زد: «برای اینکه مریم چرخ ماشینم رو درآورده چرا هیچ وقت به اون هیچی نمی کنی. همش منو دعوا می کنی. اصلاً شما اونو بیشتر از من دوست دارین. حالا که اینطوره خوب شد که زدمش.»

مامان در حالیکه دیگر طاقتش طاق شده بود در حالیکه گوش مجید را می پیچاند با غیظ گفت: «حالا برای من حسودی هم می کنی؟! زود باش برو تو اطاقت.» مجید در حالیکه گریه می کرد با التماس می گفت: «نه مامان اون اتاق لامپش سوخته، تاریکه؛ من از تاریکی می ترسم.» مامان پوزخند می زد و با لحن مسخره کننده ای گفت: «کودن جون تاریکی که ترس نداره حالا تو اون اتاق بمون تا آدم بشی و زود عصبانی نشی ترست هم بریزه»

۱- رشد عاطفی

قبل از اینکه صحبت رشد عاطفی را شروع کنیم لازم است ابتدا پیرامون معنای عاطفه مقداری صحبت کنیم.

عاطفه در اصطلاح به معنای بروز و ظهور احساسات روانی در فرد است. اگر فردی احساس شادمانی درونی داشته باشد معمولاً آنرا بصورت تبسم بروز می دهد و یا اگر کسی عصبانی باشد معمولاً این احساس خود را به صورت ابروان اخم کرده و یا فشردن دندان ها به یکدیگر بروز می دهد. فهم عواطف در کودکان و درک کیفیت رشد آنها تأثیر به سزایی در نحوه برخورد والدین با کودکان خود و تربیت آنان، می تواند داشته باشد

یقیناً در طول روند رشد کودک، عواطف جدیدی با ویژگیهای

تازه از کودک بروز می کند، که والدین بعد از شناخت آنها لازم است رفتارهای جدیدی را با کودک خود مورد اجرا بگذارند.

در اینجا قبل از اینکه وارد بحث پیرامون رشد عاطفی در کودکان شویم، لازم است به چند نکته پیرامون ویژگی های کلی عواطف در کودکان ۱-۳ ساله بپردازیم.

۱) عواطف در کودکان خیلی زود به جوشش می آید و خیلی سریع نیز فروکش می کند. همه ما دیده ایم که کودک چقدر زود خشم می گیرد. اما در عین حال سریعاً نیز خشمش از بین می رود. والدین در برخورد عواطف کودکان باید زود گذر بودن آنها را مد

نظر داشته باشند، چه بسا اگر این مسأله را در نظر نداشته باشند ممکن است با برخورد نابجایی که با کودک شود عواطف او (مثلاً خشم) بطور نامطلوبی تحریک گردد.

۲) والدین باید بدانند که بروز عواطف بواسطه یک محرک خاص در همه کودکان یکسان نیست، یعنی اگر پیشامدی سبب خشم در یک کودک می گردد، دیگری را ممکن است به گریه درآورد و در برخی از کودکان ممکن است سبب بروز واکنشهایی چون ناخن جویدن، شب ادراری و ... گردد. بنابراین هر عملکرد نابهنجار در کودک می تواند نشانه بروز جوشش عاطفه ای در او باشد. والدین آنگاه که این رفتار نابهنجار را دیدند باید در صدد ریشه یابی عاملی که سبب ظهور این رفتار گردیده است، برآیند.

۳) یکی از مسائلی که شاید سبب نگرانی والدین شود این تصور است که: امکان دارد برخی از عواطف نابهنجار در کودک ماندگار شود (مثلاً ترس های بیمورد و یا حسادت ها که گاه گاه در اطفال دیده می شود. پدران و مادران باید بدانند که خصوصیت دیگر عواطف در کودکان گذرا بودن آنهاست. یعنی هر کودک بواسطه رشد شناختی و عقلانی که در سنین مختلف پیدا می کند ویژگیهای عاطفی کسب می کند که بعضاً نامطلوب است (مثل ترس و حسادت نسبت به خواهران و برادران) اما با رشد شناختی و عقلانی بیشتر این خصوصیت نامطلوب رو به ضعف می گراید و یا بکلی از بین می رود. البته در این میان والدین باید از اجرای تمهیدات لازم غافل نباشند.

۴) در دو شماره قبل توضیح داده شد که برآوردن نیازهای کودک می تواند زیربنایی برای تکوین حس اعتماد بنیادین در او باشد. در واقع برآوردن نیازهای کودک، بذل محبت و دریغ نکردن آن به او می باشد. این نکته را والدین باید در نظر داشته باشند که محبت با کودک تنها خاص دوران تولد تا یکسالگی نیست. هر چند که در یک سال اول از اهمیت والاتری برخوردار است اما دریافت آن در سنین دیگر از طرف والدین امری لازم و ضروری است. باید گفت که در این سنین محبت مهمترین عامل در رشد عاطفی فرزند است و کمبود آن موجب بروز عواطف نابهنجار در کودک و نیز زمینه ساز اختلالات شخصیتی در او می گردد.

با توجه به چند نکته فوق اینک به بررسی چند ویژگی عاطفی در کودکان می پردازیم:

۱: ترس

ترس ویژگی عاطفی است که در حدود ۹ ماهگی در کودک شروع به تکوین می یابد. شاید والدین این تجربه را داشته باشند که قبل از حدود ۹ ماهگی کودکشان از خطرات احتراز نمی کند و به اصطلاح «سرترس» دارد. لذا در دورانی که کودک چهار دست و پا می رود باید بسیار مراقب بود تا کودک در برابر خطرات احتمالی قرار نگیرد چون رشد شناختی او به حدی نرسیده است که موارد خطرناک را تشخیص دهد.

از ۹ ماهگی به بعد بواسطه رشد بیشتر عقلانی، کودک بتدریج خطرات را احساس می کند و ترس در او تکوین می یابد.

بطور کلی ترس در حد کم ویژگی عاطفی مفیدی است چرا که موجب پرهیز و احتراز از خطرات احتمالی می گردد. اما وجود ترس در کودک بصورت دائمی خصوصیتی منفی است که وجود آن موجب می شود که کودک از برخورد با وضعیت های مختلف، بیوسسته اجتناب کند و فعالیت های خود را کاهش دهد. یقیناً کاهش فعالیت در کودک سبب خمودی و رکود قوه کنجکاوی در او می گردد.

این نکته باید مد نظر والدین باشد که ترس ویژگی است که در ابتدای تکوین سیر صعودی دارد (به علت رشد عقلانی کودک) اما هنگامیکه رشد عقلانی در او باز هم بیشتر شد به تدریج در او کاهش پیدا می کند.

با رشد شناختی در کودک او توانایی تشخیص پدیده های خطرناک را بیشتر پیدا می کند. از طرف دیگر با افزایش میزان حافظه توانایی بیشتر در بازیابی خاطرات ترس آور پیدا می شود. همچنین بعد از مدتی قدرت تخیل در کودک زیاد می گردد. بطوریکه می تواند موضوعات غیرواقعی را که در عین حال ترس آور هستند، در ذهن خود بیافریند.

همه این عوامل سبب می گردد که از ۹ ماهگی به بعد ترس در کودک اوج گیرد. ترس در ۳ سالگی به حداکثر می رسد اما با گذشت ایام و رشد شناختی بیشتر در کودک، نیروی استدلال در او شکل می گیرد و بدینسان به تدریج از میزان ترس او کاسته می گردد. بطوریکه در دوران دبستان ترس های کودک به میزان قابل ملاحظه ای کاهش یافته است.

عوامل زیر می تواند در شدت بروز ترس در کودکان مؤثر باشد.

آبول زدن)، لذا در مواجهه با چنین محیطی ترس بر او غلبه می کند.

روش های برخورد با ترس کودکان

والدین با ترس کودک خود به شیوه های مختلفی برخورد می کنند. برخی از این شیوه ها، که متأسفانه معمول نیز هست بی ثمر می باشد. در ابتدا به بیان این شیوه ها می پردازیم و بعد از آن روش های صحیح و اصولی در برخورد با ترس کودکان را بیان می کنیم:

- عدم توجه به ترس کودک: گاهی اوقات والدین به ترس کودک توجه نمی کنند و آنرا نادیده می انگارند. این روش، راهی اشتباه است چون کودک باید این شناخت را پیدا کند که عاملی که او را می ترساند خطر چندانی ندارد.

- اجتناب از برخورد با محرک ترس آور: عده ای دیگر از والدین سعی می کنند که پیوسته کودکشان با محرک ترس آور برخوردی نداشته باشد. این شیوه نیز روش صحیح نیست. بدلیل آنکه بالاخره این کودک بعد از مدتی حوزه فعالیتش فراتر می رود و ناگزیر با عامل ترس آور برخورد خواهد کرد و طبیعی است که در چنین مواردی ترس در او بروز خواهد کرد. لذا کار ریشه ای آن است که ضمن مواجهه کودک با عامل ترساننده (بطور طبیعی) شناخت لازم نیز به او داده شود که ترس او بیمورد است. بطور مثال اگر کودک شما از تاریکی می ترسد این صحیح نیست که او را در تاریکی بیندازید و ترس او را نادیده بینگارید و یا اینکه پیوسته چراغ اطاقش را روشن بگذارید. بلکه باید با دادن شناخت لازم به او بتدریج این ترس را از او دور کنید.

- برخوردهای اشتباه دیگر: شیوه های ناپسند دیگری که برخی از والدین در برخورد با کودکان اعمال می کنند مسخره کردن آنان است مثلاً می گویند «عجب بچه کودنی هستی آخه تاریکی که ترس ندارد.» تهدید شیوه نادرست دیگری در برخورد با ترس کودک است. برخورد غلط دیگر مقایسه کودک ترسو با کودکان دیگر است غافل از آنکه هر کودکی شخصی است با ویژگیهای فردی خودش.

بهرحال تمامی این روش ها، برخوردهایی اشتباه است و نه تنها ترس کودک را از بین نمی برد بلکه مسأله را پیچیده تر می سازد. توضیح آنکه شاید با بکارگیری این روش های نادرست گاهی کودک ترس های بیمورد خود را کنار بگذارد اما باید در نظر داشت

لذا والدین می توانند با مساعد کردن زمینه و دفع این عوامل در کاهش شدت ترس در کودکان دخیل باشند.

میزان ترس از یک محرک در شرایط مختلف فرق می کند. خستگی کودک (مثلاً به علت بیخوابی، گرسنگی) آشفتگی ذهنی (مثلاً به علت مشاجره و نزاع والدین) زمینه هایی هستند که ترس کودک را افزایش می دهد.

میزان هوش کودک عاملی دیگر در شدت بروز ترس کودک است. هر چقدر که میزان هوش کودک بالاتر باشد، درک او از موقعیت های خطرناک بیشتر است لذا بروز ترس او نیز افزایش می یابد.

والدین نباید از ترساندن برای تنبیه کودک استفاده کنند. جملاتی از قبیل اینکه «اگر اذیت کنی می گم لولو تو را بخوره» و ... سبب می گردد که کودک در تخیلاتش موجودی وحشتناک بنام «لولو» بسازد. و گاهی در تنهایی با تخیل خود از این موجود بترسد. این مسأله سبب می شود که کودک از تنها بودن و یا تاریکی (که زمینه را برای تخیل بهتر فراهم می آورد) بترسد.

سرشت کودکان نیز در میزان ترس آنها دخالت دارد. کودکانی با شخصیت آرام و متعادل معمولاً کمتر دچار ترس می گردند و بالعکس کودکان ناآرام و بهانه گیرترس بیشتری را بروز می دهند. حال قبل از آنکه درباره روش های مبارزه با ترس کودکان به بحث پردازیم، لازم است بررسی مختصری درباره منشأ تکوین ترس در کودکان داشته باشیم، علل ترس عبارتند از:

۱) برخی از محرکها ذاتاً ترس آور هستند مانند صدای ناشی از رعد و برق و یا انفجار. ترس ناشی از این محرک ها برای اکثر افراد امری عادی می باشد، البته میزان آن در کودکان بیشتر است.

۲) گروهی از ترس ها نتیجه یادگیری است. این یادگیری معمولاً از محیط اطراف (مثل افراد بزرگتر، تلویزیون، کتب و ...) است. هنگامیکه کودک برنامه های اضطراب آور و ترسناک تلویزیون را ببیند، بزرگترهای او درباره دیو و پری با او صحبت کنند و یا او را از مسأله ای بترسانند، کودک در واقع ترس را آموزش می بیند.

۳) برخی از ترس ها ناشی از تجربه ناگوار کودک از محرک ایجاد کننده ترس است، بسیاری از کودکان از محیط های بیمارستانی و یا پزشکان می ترسند. علت عمده آن است که کودک از این محیط و یا از پزشک تجربه ای ناخوشایند در ذهن دارد (مثل

که بعضاً ترس خود را در قالب رفتارهای نابهنجار نظیر شب ادراری، ناخن جویدن و ... بروز می دهد.

بعد از بیان شیوه های نادرستی که نباید در برخورد با ترس های کودکان پیش گرفت، اینک به بررسی روش هایی صحیح و اصولی در جهت از بین بردن و یا تقلیل ترس های نابجای کودکان می پردازیم.

۱- از اصول اساسی که والدین در تربیت فرزند خود باید پیوسته، مد نظر داشته باشند این است که به کودکان خود فرصت دهند تا عواطف و اندیشه هایشان را بیان کنند. یعنی اگر کودکان از مسأله ای بدشان می آید. از موضوعی نگران هستند، از چیزی می ترسند و ... والدین اجازه دهند که فرزندشان آنها را بیان کند و با سعه صدر به آن گوش فرا دهند (حتی اگر شنیدن آن کسالت آورد هم باشد). یقیناً برخوردهایی نظیر سرزنش و تمسخر کودک سبب می شود که او عواطف خود را بازگو نکند.

۲- شما به عنوان پدر یا مادر باید سعی کنید که کودکان مهارتهایی را یاد بگیرد که بوسیله آن با انگیزه هایی که ترس آور هستند مقابله کنند. بطور مثال اگر کودک شما از تاریکی می ترسد باید به او یاد بدهید که مدت اندکی در کنار شما یا بدون شما در تاریکی بماند و بعد چراغ اتاق را روشن کند. پیوسته مدت ماندن در تاریکی را افزایش دهید تا نهایتاً بتدریج بر ترس خود غالب آید (این کار حتماً باید به کمک شما انجام گیرد).

البته شناخت دادن به فرزند درباره ترس های بیجایی که دارد می تواند نقش مهمی را در کاهش ترس های او ایفا کند. یعنی اگر کودک از موجوداتی خیالی نظیر دیو و پری می ترسد می توان با بیان این مطلب که اینها موجودات افسانه ای هستند و در جهان خارج واقعیت ندارند (البته به دفعات و کرات)، گامی در جهت کنترل ترس کودک برداشت.

۳- الگو قرار دادن برای کودکان روشی مفید برای از بین بردن ترس های نابجا در آنان است. اگر کودکی از حیوانی مثل گربه ترس زیاد دارد پدر یا مادر می تواند در حالیکه او را در آغوش گرفته اند گربه را نوازش کنند. بدین ترتیب کودک با الگو قرار دادن رفتار والدین خود بتدریج ترس خود را کنار خواهد گذاشت.

یکی دیگر از عواطفی که در کودکان در این سنین دیده می شود خشم و پرخاشگری آنان است. خشم احساسی است که از حدود ۴ ماهگی تکوین آن در کودک، آغاز می گردد و بتدریج در کودک بیشتر می شود تا اینکه در ۲.۴ سالگی به نهایت شدت خود می رسد. معمولاً به تبع خشم، کودک دست به پرخاشگری نیز می زند. بروز این عاطفه در حد کنترل شده امری مطلوب است. زیرا خشم احساسی است که زمینه را برای اینکه کودک از خود دفاع کند و هویت خود را به دیگران عرضه نماید، فراهم می کند. اما یقیناً اگر این عاطفه کنترل نگردد در آینده ممکن است مشکلاتی را به علت ایجاد یک کودک پرخاشگر فراهم آورد.

والدین باید بدانند که با افزایش سن کودک، واکنشهای پرخاشگرانه او کاهش می یابد. قبل از اینکه به بررسی این مطلب پردازیم که چگونه می توان از ایجاد خشم در کودک جلوگیری نمود، به انگیزه های به وجود آمدن خشم و به دنبال آن ایجاد پرخاشگری می پردازیم. بالتبع بعد از شناخت انگیزه های خشم راحت تر می توان با این مسأله مدارا کرد.

۱- روانشناسانی نظیر اریکسون سنین ۳-۱ سالگی را سالهای تکوین خود مختاری در برابر حقارت می دانند، با توجه به خصوصیات فیزیکی که کودک در این سنین کسب می کند (نظیر راه افتادن، سخن گفتن و ...) طبیعی است که از نظر روانی نیز احساس استقلال نسبت به دیگران را پیدا کند. و مانند قبل از یکسالگی، خود را وابسته به پدر و مادر و اطرافیان نداند. بدیهی است هر عاملی که با استقلال کودک (که شروع تکوین آن در این سن است) تضاد و تخالف داشته باشد او را به خشم می آورد. به عبارت دیگر اگر پدر و مادر مانند دوره قبل (یعنی از تولد تا یکسالگی) بخواهند کودک خود را محدود کنند در واقع باید خود را آماده خشمگین شدن او نمایند. لذا باید به استقلال کودک در این سنین احترام گذاشته شود. بطور مثال اگر کودک شما در پارک نمی خواهد دست در دست شما داشته باشد و می خواهد آزادانه با گامهای کودکانه خود به گردش بپردازد، به او اجازه این کار را دهید (حتی اگر چند بار هم زمین بخورد). البته بدیهی است که باید دور را دور مراقب سلامت او باشید، اما اگر به کودک خود اجازه گردش آزادانه را ندهید به احتمال زیاد او را به خشم خواهید آورد چون با استقلال و خودمختاری او مخالفت کرده اید و یا اگر او می خواهد

III. حسادت

اکثر کودکان این احساس را دارند که والدین و اطرافیان به آنان محبت می‌ورزند و از آنان حمایت می‌کنند. اگر کودکی احتمال دهد که محبت و یا حمایت والدین و یا اطرافیان نسبت به او ممکن است توسط فرد دیگری تصاحب شود، واکنش عاطفی از خود بروز می‌دهد که به آن «حسادت» گفته می‌شود. حسادت در دو مقطع سنی مهم دیده می‌شود. مقطع اول در سنین ۲-۴ سالگی است و مرحله دوم در سنین بلوغ است. البته بعد از سنین ۴ سالگی با افزایش سن حسادت کودک به تدریج کاهش می‌یابد تا اینکه در سنین مدرسه، حسادت به همکلاسی‌ها جایگزین حسادت به خواهران و برادران می‌گردد. بهرحال حسادت ویژگی عاطفی نامطلوبی است که باید در کودک بتدریج از بین برود و ثبوت آن در فرد می‌تواند اثرات زیانباری را برای او در پی داشته باشد.

علل حسادت:

۱- تولد نوزاد جدید: همانطور که گفتیم یکی از علل ایجاد حسادت در کودک این است که تصور می‌کند محبتی که دیگران به او ابراز می‌کرده‌اند و در تملک او بوده است، توسط فرد دیگری تصاحب شده است. احساس مالکیت از ۲ سالگی به بعد در کودک تکوین می‌یابد لذا حسادت نیز از ۲-۴ سالگی در کودک شکل می‌گیرد. بنابراین خانواده‌هایی که فرزند ۲-۴ ساله دارند و صاحب فرزند جدیدی می‌شوند، باید خود را آماده مدارا با چنین فرآیندی بکنند.

۲- تفاوت سنی زیاد فرزندان:

اگر در خانواده‌هایی دو کودک با فاصله سنی نسبتاً زیاد وجود داشته باشد به حسادت کودکان دامن زده می‌شود. علت آن است که کودک بزرگتر احساس می‌کند از او به اندازه کافی مانند گذاشته مراقبت نمی‌شود و مراقبت بیشتر معطوف کودک کوچکتر است. کودک کوچکتر نیز احساس می‌کند کودک بزرگتر از امکانات و مزایای بیشتری نسبت به او برخوردار است. بنابراین در چنین مواردی آتش حسادت، بیشتر شعله‌ور می‌گردد. لذا به والدین توصیه می‌گردد در عین اینکه از فاصله حاملگی کم بین دو تولد (کمتر از ۲ سال) احتراز نمایند، لازم است که از ایجاد فاصله زیاد بین تولد دو کودک نیز (به علت مشکلات احتمالی عاطفی) پرهیز کنند.

غذایش را خودش بدون کمک شما بخورد به او این فرصت را بدهید. از این نترسید که فرشتان کشیف شود. با انداختن پارچه‌ای به زیر کودک هم فرش کشیف نمی‌شود و هم کودک شما به خشم نمی‌آید. پس والدین اگر به ابراز استقلال کودک خود احترام گذارند تا حدود زیادی از ایجاد خشم در او جلوگیری می‌کنند.

۲- در حدود سنین ۲ سالگی به بعد احساس مالکیت در کودک شما شکل می‌گیرد. بسیاری از والدین این تجربه را دارند که در سنین قبل از یک سالگی کودک نسبت به برداشتن اشیاء خود توسط کودکان دیگر حساسیتی ندارد. اما از این سن به بعد نسبت به این مسأله حساس می‌شود. اگر فردی به حریم اشیاء مربوط به او تجاوز کند، جارو و جنجال راه می‌اندازد. علت این تغییر، تکوین احساس مالکیت در اوست. لذا از عوامل پرخاشگری و به خشم آمدن کودک عدم توجه به احساس مالکیت اوست. اگر کودکی به حریم کودک شما تجاوز کرد، با تدبیر، مسأله را به نفع کودکان خاتمه دهید.

۳- گفتیم که در کودک در این سن احساس استقلال تکوین می‌یابد و آنچه که سبب ممانعت از برآوردن این احساس گردد او را به خشم می‌آورد. کودک ۱-۳ ساله به علت عدم تکامل فیزیکی لازم یقیناً نمی‌تواند به تمام خواسته‌ها و اندیشه‌های خود دسترسی پیدا کند. همین مسأله سبب ایجاد خشم و پرخاشگری در او می‌گردد. لذا نقش والدین در اینجا اهمیت خاصی پیدا می‌کند. اگر پدر و یا مادر می‌بیند که کودکشان در حال انجام کاری است که توانایی انجام آنرا ندارد باید در صدد کمک به او برآیند (البته فقط کمک، نه اینکه کار کودک را به تنهایی انجام دهند. چون در صورت انجام این مسئله، باز هم کودک خشمگین می‌گردد زیرا به احساس استقلال او لطمه وارد می‌شود.) کمک کردن به کودک در جهت انجام کار او از به خشم آمدن او جلوگیری می‌کند.

شاید برای والدین این سؤال مطرح گردد که آیا واقعاً لازم است با کنترل انگیزه‌های خشم کودک پرخاشگری او را کنترل کنند یا نه؟ در پاسخ باید گفت که این کار باید حتماً انجام شود. چرا که اگر کودک به خشمگین بودن عادت کند، بتدریج این احساس به صورت صفت ثانویه در او شکل می‌گیرد. رسالت پدر و مادر در مواجهه با این مسئله این است که به کودک خود یاد بدهند که چه هنگام خشمگین شود و چه هنگام خشم خود را فرو نشانند.

۳- تبعیض بین کودکان:

هر فردی بواسطه ویژگی فردی خود علائق خاصی دارد. برخی به هنر علاقه دارند، بعضی دیگر به ورزش، فردی دیگری به علم و... پدر و مادر نیز آزادند که هر یک علائق خود را شخصاً دنبال کنند. اما این علائق را هرگز نباید در روند تربیت فرزندان خود دخالت دهند. بطور مثال در یک خانواده ممکن است سه کودک باشد که هر یک از جهتی فردی ممتاز هستند یکی از نظر علمی ممتاز است. دیگری از لحاظ ورزشی سرآمد است و دیگری نیز هنرمند خوبی است. گاهی پیش می آید که یکی از والدین و یا هر دو بطور مثال به علم بیشتر علاقمندند، لذا ابراز محبت بیشتر به فرزندی می کنند که از نظر علمی ممتاز است. همین مسأله می تواند سبب احساس تبعیض در کودکان و به دنبال آن ایجاد حسادت در بین آنان گردد بنابراین والدین باید آگاه باشند که هر یک از فرزندان نشان ویژگی‌های خاص خود را دارند و نباید علائق شخصی خود را در میزان محبت به کودکان دخالت دهند.

۴- تضاد میان والدین:

یکی از شیوه‌های ناپسند که برخی از والدین در منازعات بین خود اعمال می کنند این است که در صدد برمی آیند تا فرزندان خود را علیه طرف مقابل بشورانند و برای رسیدن به این مقصود بعضاً به یکی از فرزندان که مایل هستند جذبش کنند، محبت زیاد می کنند

و یا فرزندی را که به نفع طرف مقابل کنار آمده است طرد می کنند. اینکار ناپسند سبب می گردد که تخم حسادت در دل فرزندان کاشته شود. بنابراین والدین اولاً به هیچ عنوان نباید در جلوی فرزندان با یکدیگر درگیر شوند و ثانیاً اگر هم منازعه‌ای اتفاق افتاد از تقسیم فرزندان برله و علیه خود شدیداً احتراز کنند.

نکته آخری که در این بحث لازم است مطرح گردد شیوه‌هایی است که کودک به توسط آن واکنش حسادت را بروز می دهد این شیوه‌ها عبارتند از:

- کودک ممکن است به یکسری از رفتارهای دوران کودکی خود روی آورد مثل اینکه در شب کنترل ادرار خود را از دست دهد (شب ادراری) و یا انگشت خود را بمکد.

- ممکن است شروع به تخریب اشیاء اطراف خود بکند.

- ممکن است بهانه جویی‌های مختلفی را شروع کند مثلاً خوردن غذاهای مخصوصی را درخواست کند و ...

- بدترین فرم بروز حسادت این است که کودک در برابر از دست دادن مطلوب و محبوب خود تسلیم گردد و اندوه را پیشه کند.

بهرحال والدین باید در برابر بروز چنین واکنشهایی در کودکان حساس باشند و اگر ریشه آن را در حسادت یافتند در صدد رفع آن برآیند.